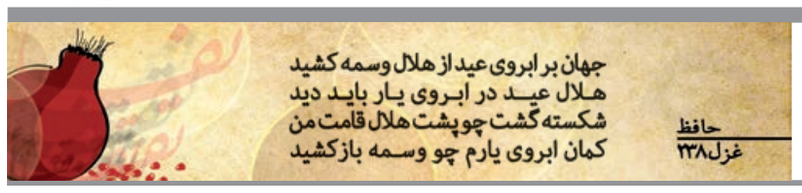

در محضر بزرگان

راهکار تشخیص عبادت خالصانه

علامه طباطبایی در تبیین عبادت خالص و برای خدا گفته اند: «عبادت وقتی تمام و کامل می شود که به غیر خدا به کسی مشغول نباشد و در عملش شریکی برای خدای سبحان نتراشد و دلش در حال عبادت بسته و متعلق به جایی نباشد، نه به امیدی و نه ترسی، حتی نه امید به بهشتی و نه ترس از دوزخی که در این صورت عبادتش خالص و برای خداست.»

برگرفته از ترجمه المیزان، ج۱، ص ۴۲.

حکایت مذهبی

فقیری که نمی خواست ثروتمند شود!

داخل مجلس شد. فقیر بود و سر و وضع و لباسِ درست و حسابی نداشت.
جای خالی پیدا کرد و نشست. کسی که پیش او بود، لباسش را کشید و خودش را جمع و جور کرد. حضرت محمد(ص) فرمودند: «ترسیدی چیزی از ثروتت کم بشود؟» مرد گفت: «نه.» حضرت محمد(ص) فرمودند: «ترسیدی چیزی از فقر او به تو بچسبد؟» مرد گفت: «نه.» حضرت محمد(ص) گفت: «پس چرا این کار را کردی؟» مرد گفت: «اشتباه کردم، حاضرم نصف ثروتم را برای جبران اشتباهم به او بدهم.» مرد فقیر گفت: «نه، نمی‌گیرم، می ترسم بگیرم و روزی مثل او بشوم.»

برگرفته از کتاب «آفتاب آخرین» نوشته مهدی قزلی

یادش بخیر

داستانک

آدم‌ها مثل ساعت‌ها هستند

به ساعت نگاه کردم. ۶:۲۰ صبح بود. دوباره خوابیدم، بعد پا شدم و به ساعت نگاه کردم. ۶:۲۰ صبح بود. فکر کردم هوا که هنوز تاریک هست، حتما دفعه اول اشتباه دیده ام. دوباره خوابیدم. وقتی پا شدم هوا روشن بود، ولی ساعت باز هم ۶:۲۰ صبح بود. سراسیمه پا شدم، باورم نمی شد که ساعت مرده باشد. به این کارها عادت نداشت، من هم توقع نداشتم.
آدم‌ها هم مثل ساعت‌ها هستند. بعضی‌ها کنارمان هستند مثل ساعت، مرتب و همیشگی. آن قدر صبور دورت می چرخند که چرخیدنشان را حس نمی کنی. بودنشان برایت بی‌اهمیت می‌شود.همین طور بی ادعا می‌چرخند، بی آن که بگویند باتری‌شان دارد تمام می‌شود. بعد یک دفعه روشنی روز خبر می دهد که او دیگر نیست. قدر این آدم ها را باید بدانیم، قبل از ۶:۲۰ ...

برگرفته از سایت داستانک

آزمون هوش

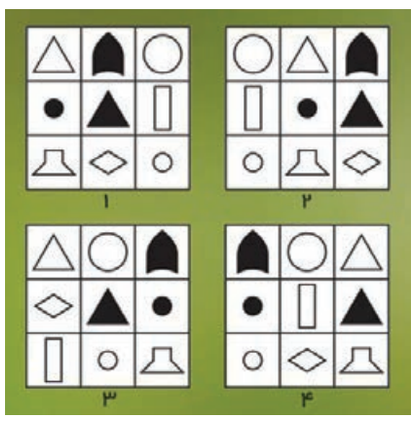

سوال: همان طور که در شکل مشاهده می کنید، ۴ گزینه داریم. یکی از این گزینه ها از قوانین حاکم بر بقیه گزینه ها تبعیت نمی کند. آیا می توانید این گزینه را مشخص کنید؟ (حداکثر زمان برای یافتن پاسخ این سوال از همین الان، یک دقیقه است)

اندکی صبر

شعر پدرم!

پدرم دفتر شعری آورد
تکیه بر پشتی داد
شعر زیبایی خواند
و مرا برد به آرامش زیبای یقین
زندگی شاید شعر پدرم بود که خواند

سهراب سپهری

دنیا به روایت تصویر

پیشنهاد ویژه یک رستوران برای خوردن کباب برزیلی بر روی یک میز که زیر پل آویزان شده است، عکس از گاردین

بازدید مردم از یک آکواریوم بزرگ نصب شده در وسط شهر در توکیو، عکس از خبرگزاری فرانسه

نیمار در محاصره خبرنگاران

دور دنیا

نمایش سرگرم کننده در مراسم تدفین!

آدیتی سنترال/ «رقصنده های مرگ»، نام نمایشی است که مردم کشور غنا بر سر مزار عزیزان از دست رفته شان اجرا می کنند! در این مراسم جدید چند مرد با پوشیدن لباس های شنل مانند و بلند و چرخیدن به دور تابوت مرده، نمایشی را با سرودهای مختلف اجرا می کنند تا افرادی را که برای خاک سپاری آمده اند سرگرم کنند. اجرای این نمایش سنتی هزینه زیادی دارد اما مردم غنا هر طور که شده برای شادی روح مردگانشان هزینه سنگین این مراسم را می پردازند!

بلایی که پرندگان بر سر درخت آوردند!

آدیتی سنترال/ هفته گذشته عکسی از درختی تنومند که تنه اش به علت ضربه های منقار پرندگان بسیار باریک شده بود، فضای شبکه های اجتماعی آمریکا را پر کرد و باعث تعجب همگان شد! تنه این درخت به قدری باریک شده بود که مردم از شکسته نشدن آن تعجب کردند. این درخت به طرز باورنکردنی با وجود آسیبی که پرندگان به تنه آن زده بودند همچنان بر سر جای خود ایستاده بود! با انتشار این عکس ماموران شهرداری به سرعت در محل حاضر شدند و قبل از آن که اتفاق خطرناکی بیفتد، درخت را قطع کردند.

رکورددار بیشترین شیر مادر اهدا شده!

آدیتی سنترال/ الیزابت اندرسون سیرا، مادر ۲۹ ساله آمریکایی دچار نوعی سندروم است که باعث ازدیاد شیر در بدنش می شود. با تولد فرزند دومش، روزانه ۷ لیتر شیر در بدنش تولید می شود! این مادر جوان، روزانه ۱۰ ساعت را به پرستاری از فرزندش و دوشیدن شیر خودش برای کودکانی که از شیر مادر محروم هستند، اختصاص می دهد. او رکورددار اهدای شیر مادر است. با این که ذخیره شیر در طول روز وقت و انرژی زیادی را از او می گیرد اما او این کار را عاشقانه برای دیگران انجام می دهد.

چند سال بعد در چنین روزی

سرورهای تلگرام به ایران می آیند

نوه مدیر نرم افزار پیام رسان تلگرام در دیدار با نوه وزیر «ارتباطات و فیلترات» گفت: «پس از سال ها بحث پدربزرگم با پدربزرگ مسئولان ایرانی درباره انتقال سرورهای اطلاعات نرم افزار تلگرام به این کشور، سرانجام تصمیم بر این شد تا سرورهای تلگرام به صورت مشروط به ایران منتقل شوند.» وی در این باره توضیح داد: «سرورها بر روی یک کامیون نصب شده و در مرز ایران به حرکت درخواهند آمد. در این روش هرگاه پیامی از خارج ایران به سرورها منتقل شود، راننده کامیون داخل خاک ایران می پیچد و هرگاه پیامی از داخل ایران به تلگرام فرستاده شود، راننده فرمان را کج می کند و از ایران خارج می شود. هرچند این روش مقداری سخت و غیرمعقول است ولی هم نظر دوستان ایرانی تامین می شود و هم ما از مواضع مان کوتاه نیامده ایم»! **الکی**

بریده کتاب

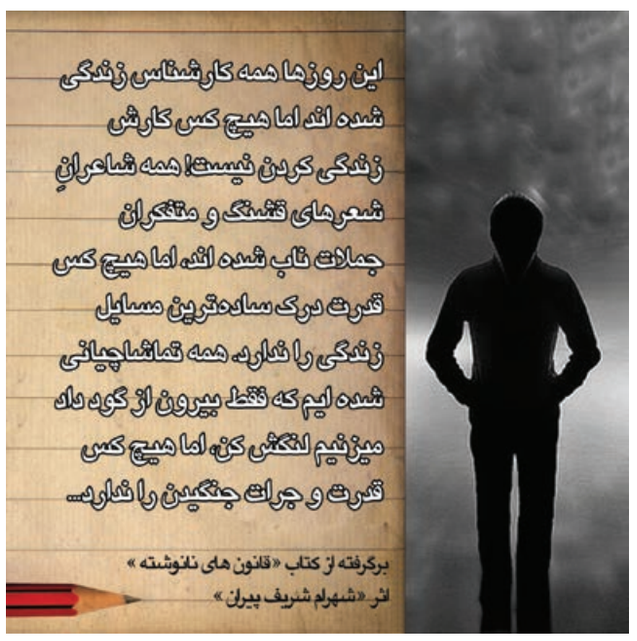

این کیه؟

مسابقه شماره ۴۵

سلام. به چهل و پنجمین شماره مسابقه «این کیه؟» رسیدیم. بدون هیچ راهنمایی، می ریم به سراغ توضیحات شرکت در مسابقه! همان طور که می دونین روال مسابقه این جوریه که شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به‌هم‌ریخته چاپ شده کیه و اسمش رو تا ساعت ۲۳ فردا پنج شنبه برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنین. جواب رو شنبه همین جا می بینین. بین کسانی که جواب رو درست بفرستن، قرعه کشی می کنیم تا یک نفر به عنوان برنده معلوم بشه. عکس و کاریکاتور برنده رو چهارشنبه هفته دیگه و با مسابقه بعدی، می تونین همین جا ببینین. عکس و کاریکاتوری هم که این بغل می بینین، «یسنا لطفی» دختر آقای «محسن لطفی» برنده مسابقه هفته پیش هستن. پس تا شنبه منتظر جواب این کاریکاتور باشید. شاید، این بار شما برنده بشید.

خودمونی

پیشنهاد خوب را جدی بگیرید

گاهی برای خواندن یک کتاب کلی وقت می گذاریم و حتی به خواندنش معتاد می شویم اما هر چه بیشتر پیش می رویم بیشتر از ادامه و پایانش ناامید می شویم تا جایی که یا خواندنش را کنار می گذاریم یا با پایانش خودمان را فحش می دهیم. این موضوع در خصوص دیدن یک سریال، یک آلبوم موسیقی یا حتی یک فیلم هم اتفاق می افتد و در نهایت از وقت و هزینه ای که برای آن صرف کرده ایم، پشیمان می شویم. اگر این مشکل را ریشه یابی کنیم به این نتیجه می رسیم که در انتخاب آن محصول به اندازه کافی تحقیق نکرده ایم یا حتی به توصیه ها در این باره توجهی نداشته ایم؛ بگذریم از این که خیلی فرهنگ پیشنهاد دادن هم بین ما رایج نیست. این روزها انبوهی از اطلاعات، محصولات و اتفاقات پیش روی ماست که در بهترین شرایط وقتی برای تجربه همه آن ها وجود ندارد، ضمن این که معلوم هم نیست چقدر به درد ما بخورد و به احوالات ما سازگار باشد. در این شرایط ارائه پیشنهاد خوب و توجه به آن ضروری است. می توان تجربه یک کتاب خوب، یک موسیقی خوب، یک فیلم خوب و حتی یک غذای خوب را با جزئیات کاربردی به جای عکس های یهویی در شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشت و از آن سمت هم از تجربه خوب استقبال کرد. علاوه بر این هستند سایت ها و روزنامه هایی که همیشه محصولات و اتفاقات حال خوب کن را به مخاطبان ارائه می دهند که می توان از آن ها هم به عنوان یک منبع قابل اعتماد استفاده کرد. حتما از بزرگ ترها شنیده اید که می گویند آدم آن قدر زنده نیست که همه چیز را خودش تجربه کند! واقعیت هم همین است. هر چند این گفته بیشتر ناظر به گرفتن تصمیمات مهم در زندگی است ولی برای کوچک ترین تصمیمات و انتخاب ها هم کاربرد دارد.

مازیار حکاک

دی روزنامه

احترام خودمان را نگه داریم

مدتی است عکسی دست به دست می شود با این متن که «مدرسه های ژاپنی نظافتچی ندارند. چون نظام آموزشی ژاپن اعتقاد دارد دانش آموزان باید خودشان کلاس ها را تمیز کنند تا احترام، مسئولیت و برابری را یاد بگیرند». اگر این موضوع حقیقت داشته باشد و ساخته و پرداخته ذهن خلاق و با نمک هموطنان نباشد، یا به اشتباه عکسی از صحنه یک سریال کره ای نباشد که در آن کودکان مشغول بازی با سطل و جارو و خاک انداز در قصر پادشاه چی چانو هستند، باید اعلام کنیم این موضوع نه تنها روش جدیدی نیست که حتی سال هاست در کشور خودمان هم رواج دارد ولی به دلیل تبلیغ ناکافی در جهان مطرح نشده است. پدران و مادران مان از زمان بچگی خودشان تعریف می کنند که پدربزرگ ها و مادربزرگ هایمان مجبورشان می کردند هر روز صبح و ظهر بروند نان سنگک تازه بخرند. این طفلکی ها هم باید با دمپایی پاره می دویدند می رفتند ساعت ها در صف می ایستادند و حق نداشتند چهار تا نان بخرند که لازم نباشد وعده های دیگر هم دوباره بروند! به همین راحتی احترام به حرف مادر و مسئولیت پذیری در برابر کمربند پدر و برابری با همه بچه های دمپایی پاره شهر را یاد می گرفتند. یا نسل ما که تهدید می شدیم اگر رختخواب مان را جمع نکنیم و مشق هایمان را ننویسیم حق دوچرخه سواری توی کوچه و بازی با آتاری را نخواهیم داشت. چه ترفندی از این بهتر که هم به هوای بازی کردن و از ترس، احترام والدین را نگه می داشتیم و هم مسئولیت پذیری می آموختیم که هر روز صبح آن رختخواب وامانده را جمع کنیم! هرچند به مرور این روش منسوخ شد و متاسفانه به نسل های بعد از ما نرسید. الان که دیگر جرأت نداری به یک بچه بگویی اسباب بازی هایت را از سر راه جمع کن یا به ضرب وعده لپ تاپ و تبلت، دو لقمه غذا به خوردش بدهی تا برود پای درسش. اگر نگذاری فیلمش را ببیند هم صفحه تلویزیون را با کنترل پایین می آورد تا نشان دهد احترام یعنی چه! خوب شد پدربزرگ ها و مادربزرگ هایمان نیستند و این صحنه ها را نمی بینند، وگرنه با همان کمربند و دمپایی پاره یک بلایی سر خودشان می آوردند!

علیرضا کاردار

پاسخ آزمون هوش

[illegible]

ما و شما

* موضوع «نو کیسه های فرهنگی» جدید بود و تا حالا نشنیده بودم. ممنون از خانم توانا که اطلاعات مون رو بردن بالا.
* خدا خیرتان بدهد برای اون کارتون کارگر. من یک پدر کارگر هستم. هرچند هیچ چیز در زندگی برایم زیباتر از پول دادن به پسرم نیست ولی کاش او هم وضعیت من را درک کند. **یک کارگر ۴۵ ساله**
* ممنون که باز باس ماس چاپ کردید!
* اون خونه‌ای که در دور دنیا قیمتش روزدین یک پوند، کجاست؟ من حاضرم با ارواح زندگی کنم ولی خونه ام ۳ خوابه باشه!
* در جواب اون آقایی که پیامک فرستاده بود که «اگر امکان دارد درباره مضرات موسیقی مطلب بزنید» باید عرض کرد در طبیعت هم موسیقی وجود دارد مانند آواز پرندگان، صدای بادها درمیان درختان و ... . یا شما نشنیده ای یا علاقه ای به شنیدنش نداشته ای. هر موسیقی بد نیست.
* محض اطلاع آق کمال. الان برای دفعه اول اگه بری انتقال خون، ازت آزمایش می گیرن و اولین خون دهی شما می شه حداقل ۳ ماه بعد از آزمایش!
* ممنون از زندگی سلام. لطفا درباره تاریخ هم یک جایی تو زندگی سلام باز کنید. ممنون
* به گمانم در بخش «غلط ننویسیم» موضوع فرق حایل با هایل را چندی پیش چاپ کرده بودید! **علیرضا،مشهد**
* من همسرم یعنی سمیرای عزیزم رو خیلی دوست دارم. هر روز بهش میگم بی تو هرگز، با تو عمری اما حرف من رو باور نداره. نمی دونم چی کار کنم.
* دختر نازم یگانه جان، دوازدهمین سالروز تولدت، شانزدهم تیرماه را به تو نازنین تبریک می گویم. **پدر و مادرت**